

حشمت معسینی

تهیدستان شهری و حاشیه نشین شهرهای اصلی کشورمان اگر نه مهم‌ترین، دست کم یکی از نیروهای ضربت انقلاب بهمن ۵۷ بوده‌اند. تهیدستان شهری و نیروهای حاشیه تولید اما چه کسانی هستند، شرایط و شیوه زندگی‌شان چه گونه است، تهیدستان شهری چه معضلاتی دارند و به چه شیوه‌هایی مبارزه می‌کنند؟ مبارزات تهیدستان شهری را چگونه می‌توان دوره‌بندی و شناسایی کرد؟ این‌ها بخشی از سئوالات مهمی هستند که در رابطه با تهیدستان شهری وجود دارند من تلاش می‌کنم مقدماً به جنبه‌هایی از مساله تهیدستان شهری در این مقاله اشاره کنم.

تعریف تهیدستان شهری

در بررسی موقعیت گروه‌بندی‌های اجتماعی قبل از هرچیز ضروری است که یک تعریف از نیروی مورد تحقیق، چارچوب و مرزهای آن ارائه کنیم. پرداختن به معضلات تهیدستان شهری البته با تعریف از این نیرو حل نمی‌شود، اما برای بررسی مساله تهیدستان شهری یک امر ضروری محسوب می‌شود. تهیدستان شهری به آن گروه انبوهی از مردم اطلاق می‌شوند که از مناسبات تولیدی معینی کنده شده و در روابط تولیدی جدید در شهر جذب نشده و در کنار مناسبات نوین اجتماعی بیتوته می‌کنند. این بخش از مردم قبلاً دارای جایگاه معینی در شیوه تولید بوده‌اند و بر اثر عوامل معینی از جمله فروپاشی درونی یا عوامل موثر بیرونی دیگر قادر نیستند در مناسبات گذشته نقشی ایفا کنند در نتیجه از روستاها یا از شهرهای کوچک یا از درون شهرهای بزرگ به حاشیه روابط تولیدی اجتماعی پرتاب می‌شوند و این مناسبات قادر نیست آن‌ها را در خود جذب و هضم نماید. این نیروها به خودی خود و در جایگاه خود، حامل و عامل هیچ عنصر ترقی‌خواهی و دارای ظرفیت بالقوه سازماندهی هیچ نظم نوین اجتماعی نیستند، اما در تخریب مناسبات حاکم، در نفی روابط مسلط، توانایی‌های معینی دارند که در دوره‌های انقلاب یا ضد انقلاب خود را به نحو شفاف و روشنی نشان می‌دهد.

در تعریف تهیدستان شهری باید توجه داشته باشیم که آن‌ها مساوی با هر نیروئی نیستند که در خارج از شیوه تولید قرار گرفته‌اند. مثلاً بیکاران در دوره بیکاری در حاشیه تولید قرار دارند اما آن‌ها با تهیدستان شهری یکی نیستند چرا که وجه مشخصه آن‌ها این است که از اول در مناسبات جدید جذب نشده بودند تا به حاشیه آن پرتاب شوند. البته این حرف به این معنا نیست که بیکاران به موقعیت تهیدستان شهری رانده نمی‌شوند. به عبارت دیگر تهیدستان با بیکاران یکی نیستند اما بیکاران تحت شرایط معینی به موقعیت تهیدستان شهری رانده می‌شوند. از طرف دیگر تهیدستان شهری با نیروی لومپن پرولتاریا نیز تفاوت معینی دارند. لومپن پرولتاریا نیروی حاشیه‌ای و تغذیه کننده انگلی همین مناسبات مسلط است. برخلاف بیکاران از شیوه تولید خارج نشده بل که از اول در خارج از همین شیوه تولید وجود داشته‌اند. لومپن پرولتاریا بر خلاف تهیدستان شهری از شیوه‌های سنتی کنده نشده‌اند، آن‌ها از اعضاء و جوارح همین نظام مسلط تغذیه می‌کنند و به شیوه‌های دزدی، کلاهبرداری، قماربازی... روزگار می‌گذرانند. نکته حائز اهمیت دیگر در رابطه با تهیدستان شهری این است که آن‌ها از طیف و لایه‌های گوناگون تشکیل می‌شوند. آن‌ها اگر چه در درون شهر نیز ساکن هستند اما خصلت زندگی‌شان از ویژگی‌هایی برخوردار است که "نه شهری اند و نه روستایی، یعنی شهر نه آنان را در خود جذب کرده است و نه از خود رانده است. و این حالت فقط به نوع مسکن یا موقعیت مکانی سکونت این افراد نیست بل که آنان در همه جنبه‌های اقتصادی- فرهنگی و اجتماعی زندگی خود با این حالت "نه شهری و نه روستایی" دست بگریبانند. (۱) اشتباه فاحشی است اما تهیدستان را به نیروهایی منحصر و محدود کنیم که صرفاً تازه از روستا به شهر مهاجرت کرده‌اند، هرچند که بخش قابل توجه‌ای از تهیدستان شهری را همین نیروهای از روستا رانده و در شهرمانده تشکیل می‌دهد. واقعیت این است که تهیدستان از منشا و خاستگاه متفاوتی برمی‌خیزند و شامل طیف و لایه‌های گوناگونی هستند. برخی از درهم شکستن روابط پیشاسرمایه‌داری به عنوان نمونه از فروپاشی روابط ایللیاتی یا مناسبات روستایی می‌آیند. برخی از انحلال و خانه خراب شدن تولیدکنندگان شهر و بخشی از کارگرانی که درآمد کافی ندارند

و یا کار منظمی بدست نمی‌آورند به موقعیت تهیدستان شهری رانده می‌شوند، یعنی بخشی از خود شهرنشینان به تهیدستان شهری تبدیل می‌شوند. در این جا ضروری است به نکته‌ای توجه داشته باشیم. تهیدستان شهری لزوماً حاشیه نشین نیستند، اما ضرورتاً حاشیه تولیدی هستند. به علاوه حاشیه‌نشینان هم ضرورتاً تهیدست شهری نیستند، گاهی بخشی از حاشیه نشینان در مناسبات اجتماعی جایگیر شده‌اند.

تهیدستان شهری از لایه های گوناگون و دارای خاستگاه متفاوتی هستند. عروج و نقش موثر تهیدستان شهری به مثابه یک نیروی اجتماعی در دوره های فروپاشی مناسبات پیشامدرن و گذار به سرمایه داری جایگاه ویژه‌ای پیدا می‌کند. در این دوران می‌توان خصلت کنده شدن و جابه‌جائی از یک نظم به نظمی دیگر را به صورت "توده‌ای" مشاهده کرد. در حالی که در دوران استقرار سرمایه‌داری و مناسبات نوین این پدیده به صورت بطئی‌تر و با ابعاد نازل‌تر دیده می‌شود. علت جابه‌جائی توده‌ای و مهاجرت را عموماً با جاذبه مقصد مهاجرت یا دافعه مبدأ مهاجرت می‌توان توضیح داد. مثلاً در یک آمار از مهاجرت در کشور ما نشان می‌دهد که جاذبه مقصد نقش مهمی در جابه‌جائی افراد ایفا کرده است. کاستالو می‌نویسد: پژوهشی درباب انگیزه مهاجرین مکمل مخارج خود به تهران، در خلال سال‌های ۱۹۵۶ تا ۱۹۶۶، نشان داده است که ۱۷ درصد مهاجرین در طلب کاری بهتر و ۵/۲ درصد برای ادامه تحصیل مهاجرت کرده‌اند. البته بسیاری از این مهاجرین از روستاها بل که از سایر شهرهای ایران به تهران آمده‌اند. اما در مجموع ۷۲ درصد یا به طلب شغل یا شغل بهتر مهاجرت کرده‌اند. دستمزد بالا در تهران که بیش از دو برابر دستمزد کار به مشابه در سایر نقاط کشور است، انگیزه قوی این مهاجرت‌ها به حساب می‌آید. ازدواج نیز انگیزه مهاجرت ۱۱ درصد از ۲۳۵۰۰۰ مهاجر مورد مطالعه بوده است.^(۲)

آل‌احمد در کتاب غرب‌زدگی نیز این روان‌شناسی را چنین منعکس می‌کند: "رادیو ترانزیستور می‌گوید مردم در شهر پول پارو می‌کنند". زنده یاد م. سوداگر محقق مارکسیست کشورمان در تبیین مهاجرت و خاستگاه حاشیه‌نشینان شهری بر روی عوامل مشخصی انگشت می‌گذارد که به مساله مورد مطالعه ما روشنایی بیش‌تری می‌بخشد. او در فصل دهم و در بخش نگاهی به خاستگاه طبقه کارگر، مهاجران و حاشیه‌نشینان شهری کتاب خود می‌نویسد: "پیدایش مراکز جدید کار، تاسیس واحدهای تازه صنعتی در شهرها، رونق کارهای ساختمانی، راه‌سازی و گسترش معادلات بازرگانی از سویی و فقر مطلق روستائیان، خشک‌سالی‌های پی‌درپی، نامتعادل بودن نسبت شمار کشاورزان به سطح اراضی ضروری، از دست دادن هر نوع امیدی به آینده کشت و کار و به‌دست آوردن زمین از سوی دیگر نیروی فعال روستایی را از خانه و کاشانه خود راند و برای به دست آوردن کار گروه‌گروه روانه شهرها و مراکز کار کرد."^(۳) چنان‌که می‌بینیم برخی عوامل که در روستاها دافعه ایجاد می‌کرد نیز در مهاجرت به شهرها نقش داشته است.

شرایط و شیوه زندگی تهیدستان شهری

تهیدستان شهری در یکی از سخت‌ترین و فلاکت‌بارترین شرایط زیست انسانی به زندگی ادامه می‌دهند. توصیف وضعیت تهیدستان شهری توسط قلم اگر چه امکان پذیر است اما سخت و دشوار می‌نماید. نه مسکن، نه بهداشت، نه تغذیه، نه تفریح، نه آموزش، نه فضای سالم، نه سیستم فاضلاب، نه آب آشامیدنی، نه سیستم برق رسانی... درحالت طبیعی و متعارف خود قرار دارد. علی بنو عزیزی، در یک گزارش از وضعیت آلونک نشین‌ها تصویری از شرایط زندگی تهیدستان شهری بدست می‌دهد که سخت غم‌انگیز است: "زندگی آلونک نشینی برای خانواده حاوی مشکلات و ناراحتی‌های گوناگون است. آب مصرفی خود را از یک شیر فشاری در خیابان پروفوسور براون، با سطل به داخل آلونک می‌آورند و چون مخزن یک بشکه‌ای برای ذخیره آن ندارند، مجبورند با سطل بر داخل آلونک انجام دهند. تعداد مستراح‌ها (که به ابتدائی‌ترین شکل ساخته شده‌اند) در محوطه آلونک‌ها نسبت به تعداد خانواده‌ها به قدری کم است که هر پنج تا ده خانوار مجبورند از یک مستراح استفاده کنند. نبودن آب‌جاری، کم عمقی گودی‌های مستراح، و انباشته شدن زباله در گوشه و کنار محوطه اونک‌ها موجب جلب و ازدیاد پشه و مگس و زنبور و موش است، و این یکی از عاصی‌کننده‌ترین مشکلات زندگی روزمره آن‌هاست. برای حمام، تابستان‌ها آب گرم می‌کنند و در گوشه‌ای سروتن می‌شویند. در زمستان هم، در حدود یک ماه یکبار به گرمابه‌ای در خیابان امیرآباد می‌روند."^(۴) با قاطعیت می‌توان گفت این وضعیت نه یک موقعیت استثنایی بل که شرایط عمومی آلونک نشین‌های کشورمان

را دارد به تصویر می‌کشد. مثلاً در گزارش دیگری از شرایط زندگی حلب شهر می‌خوانیم: "آلونک‌های حلب شهر فاقد پنجره به بیرون هستند و تنها روزنی بر سقف آلونک نوری کم‌سو را به درون راه می‌دهد تا غبار داخل آلونک مشخص گردد. ۶۸ درصد از آلونک‌ها برای همه عمر از آفتاب عالمتاب گریخته‌اند و اگر وضع بسیار غیر بهداشتی که از کناره شرقی شهر حلب می‌گذرد و ناهمواری و لجنزار بودن کف شهر حلبی‌ها بدان اضافه شود، می‌توان وضع سلامت و بهداشت ساکنین را حدس زد. آلونک‌ها معمولاً از دو اتاق بهم متصل تشکیل شده‌اند که اولین اتاق آشپزخانه، محل قرار دادن بشکه آب مصرفی است و در گوشه آن دستشویی قرار دارد که غالباً بابویی آزار دهنده، تازه واردین ناآشنا به شهر حلب را متوجه خود می‌کند. برخی از آلونک‌ها نیز فاقد دستشویی بوده و چند آلونک به اشتراک از توالت در بیرون آلونک بهره دارند. آب و برق غیر مجاز است و سیم‌هایی که بر تیر برق آویخته شده‌اند آن‌چنان بهم گره خورده و زیادند که هر برق کار را خیره برجای خشک می‌کند. (۵)

شرایط زندگی تهیدستان شهری تا حد معینی بر شیوه زندگی تهی‌دستان شهری روشنایی می‌اندازد. زندگی تهیدستان شهری به علت عدم جذب‌شان در شیوه تولید، از ثبات چندانی برخوردار نیست و به قول مائوئل کاستل از طریق "مشاغل پارازیت" یعنی از طریق شغل‌های ناپایدار، دم‌دست و تصادفی روزگار می‌گذرانند. میوه‌فروشی، رختشویی، کلفتی، ماشین‌شوئی بر سر چهار راه‌ها یا در مبدا حرکت از محلی به محل دیگر (ترمینال‌ها)، سیگار فروشی، کهنه فروشی یا دست دوم فروشی اجناس، نوکری، پادوئی، خرده‌فروشی، دوره گردی، زباله‌گردی، نمک‌فروشی، شیشه‌پاک‌کنی... از جمله شغل‌هایی هستند که تهیدستان شهری از آن طریق امرار معاش می‌کنند. البته "مشاغل پارازیت"، تصادفی و بی‌ثبات وجه مشخصه شیوه زندگی تهیدستان شهری نیست بل که علاوه بر آن زندگی در حاشیه تولید، در بیرون از اقتصاد متعارف مشخصه برجسته آن‌ها به‌شمار می‌رود. البته شیوه زندگی تهی‌دستان را نباید هم صرفاً به "مشاغل پارازیت" محدود کرد. بسیاری از تهی‌دستان هستند که خصلت کارمزدی کارشان برجسته است. مخصوصاً کارهایی که زنان بدان مشغول هستند از زمره چنین کارهایی باید محسوب شوند. واقعیت این است که بسیاری از نیروی کار ایران در سیستم کارخانگی کار می‌کنند و به علاوه در کارگاه‌هایی که در سطح و مقیاس ایران پراکنده است. مثلاً "صنعت" فرش که چند میلیون نیروی کار دارد از سیستم کارخانگی استفاده می‌کند و صاحب‌کار مواد خام و یا قطعات نیمه تمام را تحویل می‌دهد و کارگر در خانه خود آن‌ها را تکمیل می‌کند. این بخش از "کارگران" نه مشمول قانون کار می‌شوند نه قرار داد کار با شرایط متعارف بسته می‌شود.

مطالبات و ضرورت سازمان‌یابی تهیدستان شهری

به هر گوشه از زندگی تهیدستان شهری نگاهی بیافکنیم با دست‌مایه‌های فراوانی برای سازمان‌یابی آنان روبه‌رو می‌شویم. در این جا ما با کثرت مطالبات روبه‌رو هستیم. در واقع هیچ عرصه‌ای نیست که نتوان آن را به موضوع سازمان‌یابی تهی‌دستان تبدیل کرد. بی‌واسطه‌ترین مطالباتی که تهیدستان با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند و شبانه روز با آن‌ها کلنجار می‌روند عبارتند از: مساله مسکن، خدمات شهری نظیر آب و برق و سوخت، خیابان‌کشی، لوله‌کشی، زباله جمع‌کنی، پُل، وسایل ایاب وذهاب، سیستم پست، بهداشت و درمان، مساله آموزش مخصوصاً مدارس کودکان و نوجوانان، (مثلاً در اجتماع ۴۰۰ نفره آلونک نشینان "پُل‌مدیریت" تنها یک نوجوان وجود دارد که تا کلاس دوم نظری درس خوانده است)، امکانات ورزشی، مساله تفریحات سالم (پارک‌ها، سینما، قهوه‌خانه‌ها...) فروشگاه‌ها و تعاونی‌های مصرف...

چنان که مشاهده می‌کنیم تهیدستان شهری از بخش قابل توجهی از خدمات محرومند که تحت‌الشعاع خواست مسکن قرار دارد. واقعیت این است معمولاً تهیدستان شهری را با محیط زیست‌شان و در محیط زیست اصلی‌شان در نظر می‌گیرند که بیش از همه بر روی مساله مسکن متمرکز است. این مساله البته مساله مهمی است ولی فقط یکی از مسایل تهیدستان شهری محسوب می‌شود. در نظر گرفتن تهیدستان شهری در رابطه با محیط زیست‌شان هر چند نقاط قوت بسیار زیادی دارد، اما اگر بیش از حد معقول و به طور یک جانبه مورد تاکید قرار گیرد، به نادیده گرفتن بعضی از مسایل مهم می‌انجامد. مثلاً حالا مساله کودکان خیابانی یا کار کودکان در ایران به مشکل بسیار مهمی تبدیل شده است و همان‌طور که می‌دانیم در بسیاری از کشورهای پیرامونی نیز این مساله بسیار مهم است. اکنون بنا به تخمین‌هایی، چند میلیون کودک کار می‌کنند و بخشی از

آن‌ها در معرض انواع سوء استفاده‌های جسمی و روحی و جنسی قرار دارند آیا این‌ها جزئی از مسایل تهیدستان شهری محسوب نمی‌شوند؟ بر روی هر یک از مطالبات تهیدستان شهری انگشت گذاشته شود می‌توان دست‌مایه مناسبی برای سازمانیابی آن‌ها به دست آورد. مبارزه تهری دستان شهری برخلاف پاره‌ای از تفسیرهای نادقیق نظیر این که در این دسته، "مردمی قرار دارند که از نظر طبقاتی عمدتاً خرده‌بورژوازی دارای منشأ روستایی هستند (تهیدستان شهری) و میزان آگاهی‌شان نسبت به مسایل اقتصادی- اجتماعی سیاسی و روحیه مبارزه جوئی‌شان در سطح بسیار نازلی بوده و به سادگی تحت تأثیر تبلیغات رژیم قرار می‌گیرند. این دسته در شروع جریانات برای حفظ خانه‌هایشان اکثراً فردی عمل کرده و در فکر آن بودند که " گلیم خود را از آب بیرون بکشند" و جهت طرح خواست‌های خود، از طریق رجوع به مقامات و ادارات دولتی و شکایت و عریضه نویسی وارد شده و هنگام حمله مأمورین به خانه‌هایشان، یا به گریه و زاری و التماس می‌افتادند و یا پا به فرار می‌گذارند. آن‌ها به نیروی خود اعتقادی نداشتند و حوادث و اتفاقات را به نیروی ماوراء الطبیعه و قضاء قدر و شانس نسبت داده و جز هم دردی و تسلی یک‌دیگر کاری نمی‌کردند... (۶) دارای سازماندهی و با اشکالی از همبستگی توأم می‌باشد. تردیدی نیست که در درون تهیدستان شهری پاره اختلافات، تضادها عمل می‌کنند که اراده جمعی آن‌ها را تهدید می‌کند. اما بر طبق شواهد و گزارشات مستند غالب تهیدستان شهری در برابر تخریب خانه‌ها و آلودگی‌ها منافع مشترک دارند و اقدامات مشترکی را سازمان می‌دهند. پرویز پیران در مقاله "آلودگی نشینی در تهران" موارد اختلاف و اشتراک تهیدستان را چنین بیان می‌کند. "ساخت خانوارها [آلودگی نشینان شهید عراقی] تک همسری پدرسالارانه بوده و به کل جامعه شبیه است. طلاق در اجتماع دیده نشده و تنها زمینه ناسازگاری، از هم زیستی اهالی آذربایجان و اعراب بیرجندی نشأت می‌گیرد که اساساً دارای تضاد آشکار فرهنگی‌اند. لیکن در مورد مسکن همه باهم به خوبی و متحد عمل می‌نمایند و در فقر عمومی نیز اشتراک کامل دارند و گاه در کنار درگاه خانه‌ها و یا در محوطه‌های باز در کنار شیر آب با هم به درد دل می‌نشینند و گله‌ها را فراموش می‌کنند." (۷)

البته زمینه‌های سازمانیابی و اشکالی از تجمع صرفاً بر محور شرایط و مطالبه مشترک بر نمی‌خیزد آن‌ها در قلمروهایی دیگری پیوندهای معینی دارند که تجمع و تشکل بین تهیدستان را امکان پذیر می‌سازد. مثلاً پیوندهای هم‌شهری گری، پیوندهای قومی- ملی، پیوندهای زبانی نقش مهمی در میان آن‌ها ایفا می‌کند. پرویز پیران در این باره می‌نویسد: "آلودگی نشین‌ها فقط اقوام نزدیک خود را در جمع خود می‌پذیرند، نگران مسکن خود هستند و در مواردی که به مسکن آن‌ها مربوط می‌شود تجانس گروهی فوق‌العاده بالایی نشان می‌دهند" (۸) برای این که تصور روشنی از مسأله داشته باشیم به ترکیب آلودگی نشینان نگاهی می‌افکنیم. ساکنین حلب شهر از ۳ گروه ۱- ترک‌ها که شامل خلخال، اردبیل، تبریز، مشکین شهر ۲- خراسانی‌ها که شامل قوچان و نیشابور و سبزوار، مشهد و ۳- آملی‌ها و بابلی‌ها که به غربتی معروفند تشکیل شده است. ساکنین پُل مدیریت عموماً آملی هستند. حلب آباد منطقه ۴ به جز ۴ خانوار کرد بقیه زابلی‌اند. شهرک شهیدعراقی ۵۷ خانوار منشاء اعراب بیرجندی دارند ۴۵ نفر اردبیلی‌اند. ۷۲ نفر از میانه یا اطراف آن آماده‌اند. اکثر ساکنان شهرک مطهری آذری‌اند. آلودگی نشینان زنجان جنوبی اساساً از کردها و ترک‌ها تشکیل می‌شود. در یک اجتماع ۷۰۰ نفر آلودگی نشین ۵۰ خانوار فامیل مشترک دارند. این پیوندهای محلی گری، هم‌دهاتی، هم‌شهری، هم‌زبانی‌گری زمینه‌های مساعدی برای سازمان‌یابی تهری دستان شهری فراهم می‌آورد و آن‌ها را ناگزیر به حرکات جمعی می‌کشد.

دوره بندی مبارزات تهیدستان شهری

مبارزات تهیدستان شهری جزئی از مبارزات توده کار و زحمت کشورمان محسوب می‌شود که بسته به اوضاع عمومی سیاسی، توازن قوا و آرایش صحنه نبرد از مراحل متعددی عبور کرده است. ما در این نوشته صرفاً بر درگیری تهیدستان شهری با رژیم متمرکز می‌شویم و بر آن اوضاع سیاسی‌ای که این درگیری در متن آن جریان دارد و یا تأثیر مبارزات سایر نیروهای جامعه بر مبارزات تهیدستان و متقابلاً اثرات مبارزه تهیدستان شهری بر مبارزه سایر اقشار مردم که در جایگاه خود اهمیت قابل توجهی دارند نمی‌پردازیم. مبارزات تهیدستان شهری را به چند دوره می‌توان تقسیم کرد.

دوره اول سال‌های رونق نفتی تا انقلاب

در این دوره تهیدستان شهری تازه دارند به مثابه تهیدستان شهری چه در حاشیه شهر و چه در پاره‌ای از اماکن داخلی شهر نظیر پُل مدیریت، حلب شهر تهران پارس، آلونک نشینان خیابان آذربایجان به یک نیروی اجتماعی تبدیل می‌شوند. در این دوره معضل اساسی تهیدستان شهری ساختن و بنای یک سرپناه است. خانه‌سازی‌های "غیرمجاز" اساساً در این دوره شروع شده و به محور اساسی درگیری تهیدستان بارزیم تبدیل می‌گردد. در این دوره تهیدستان از طریق دادن رشوه به ماموران شهرداری به افراد ژاندارمری، شبانه چارچوب "خانه‌های" خود را با کمترین امکانات می‌سازند. در این دوره تهیدستان شهری با ۳ نیروی مختلف به جنگ و گریز می‌پردازند.

الف- با ماموران شهرداری

ب- با نیروهای ژاندارمری

ج- با بساز و بفروش‌ها که شیره جان تهیدستان شهری را می‌مکند.

در این دوره اگر چه محور اصلی مبارزه پیرامون خانه‌سازی در جریان است اما معضل تهیدستان شهری تنها به این عرصه محدود نمی‌شود. درگیری پیرامون گران شدن اتوبوس‌ها محور دیگر مبارزات تهیدستان شهری را تشکیل می‌دهد. یک مبارزه دائمی، همیشگی پیرامون فقدان خدمات عمومی نظیر بهداشت، آب، آموزش... در جریان است که متأسفانه در گزارش‌های مربوط به تهیدستان به این امور کمتر پرداخته شده است.

اشکال مبارزه‌ای که تهیدستان شهری در این دوره به کار گرفته‌اند از خراب کردن ساختمان شهرداری، از کتک زدن ماموران ژاندارمری تا آتش زدن اتوبوس‌ها را دربرمی‌گیرد. تهیدستان شهری در اواخر این دوره موانع "خانه‌سازی" را تا حدودی درهم می‌شکنند یکی از دلایل پیشروی در این عرصه را در این دوره از زبان یک از تهیدستان بشنویم "از اول تابستون یک دفعه همه شروع به ساختن کردن. شهرداری می‌گفت: به من مربوط نیست باید ژاندارمری جلوگیری بکنه و ژاندارمری می‌گفت: من به شهرداری تحویل دادم اون باید جلوگیری کند. در این میون مردم هم خونه‌هاشونو می‌ساختن. بعد که شهرداری اومد دید همه دارن می‌سازن گفت: بیاین جواز بگیرین." (۹) مهم‌ترین حرکاتی که تهیدستان شهر در این دوره انجام داده‌اند عبارتند از درگیری تهیدستان شهری باقرآباد در ۲۵ تیر ۵۶ بر سر خراب کردن خانه‌ها و آلونک‌ها با ماموران شهرداری، درگیری مردم علی‌آباد در ۵ و ۱۲ مرداد ۵۶ با ماموران شهرداری که با ۲۴ بولدوز و لودر برای تخریب خانه‌ها آمده بودند و شامل ۱۵۰ نفر می‌شدند. درگیری اهالی یاخچی‌آباد در ۵ مرداد با ماموران شهرداری، تجمع اهالی چشمه علی در جلوی شهرداری، درگیری اهالی جوادیه با ماموران تهران و انتظامی به علاوه در دولت‌آباد- اسماعیل‌آباد، علی‌آباد، شهر شاهپور، خانی‌آباد، نعمت‌آباد، هاشم‌آباد، مشیریه یک جنگ و گریز دائمی بین تهیدستان شهری و ماموران شهرداری و نیروهای انتظامی وجود دارد. (۱۰)

دوره دوم- از انقلاب بهمن ۵۷ تا جنگ

مبارزات تهیدستان شهری در دوره انقلاب بهمن ۵۷ تا مقطع جنگ نه تنها متوقف نگردید بل که در این دوره ادامه داشته و ابعاد جدیدی به خود گرفته است. در این دوره تهیدستان شهری با فضای سیاسی جدیدی روبه‌رو بودند که هم در مضمون مبارزات و هم در اشکال مبارزه آن‌ها تاثیر معین بر جای گذاشت. بعد از انقلاب مبارزه برای خانه‌سازی در محلات حاشیه شهر با اشتغال ساختمان‌های تمام و نیمه تمام که بر اثر فرار عوامل رژیم شاه و سرمایه‌داران خالی مانده بودند توأم گردیده است. نباید آماری بیش از ۱۳۰ هزار خانه خالی در دوره مزبور وجود داشته است، (۱۱) در تهران ۵۰ هزار و به روایتی ۱۰۰ هزار (۱۲) خانه‌خالی وجود داشته که بخشی از آن‌ها توسط تهیدستان شهری مصادره خانه‌های خالی در میدان انقلاب، خیابان میرداماد از جمله خانه‌های مصادره شده بودند (۱۳) در این دوره هم مبارزات تهیدستان شهری به حوزه خانه‌سازی محدود نمی‌ماند بل که عرصه‌های آب و برق، گرانی اتوبوس، مقاومت در برابر حمله به دست‌فروشان را نیز دربر می‌گیرد و ارتقاء خواست تهیدستان شهری مبنی بر مصادره خانه‌های خالی در مقایسه با "خانه‌سازی‌های" رایج در دوره قبل از انقلاب تنها ویژگی مبارزات تهیدستان شهری نیست. در این دوره ما در پاره‌ای از مناطق شاهد اشکالی از تجمع نظیر "شورای زحمتکشان بی‌مسکن" در

همت آباد تبریز، شورای محله در دولت‌آباد روبه‌رو بوده‌ایم. به علاوه در این دوره نشریاتی نظیر "فریاد زورآباد" چاپ می‌شود که به انعکاس مبارزات تهیدستان شهری می‌پردازد. در این دوره هر چه از ۲۲ بهمن فاصله می‌گیریم و به آغاز جنگ نزدیک می‌شویم درگیری تهیدستان شهری با ارگان‌های رژیم اسلامی حادث می‌گردد. اشکال مبارزه تهیدستان شهری در این دوره از مراجعه شهرداری اهالی شیمیران نو گرفته، تا کتک زدن رئیس خط منطقه کهریزک تا تجمع اهالی دولت‌آباد جلوی نخست‌وزیری، تا سنگربندی اهالی خاک‌سفید در برابر پاسداران تا گروگانگیری مالکان زمین ولی‌عصر، تا کتک زدن نماینده امام، تا تصرف یک میلیون متر زمین موات و بایر شهری تا تصرف ساختمان نوساز در سیدخندان توسط بی‌مسکنان مشاهده می‌شود. به علاوه در پاره‌ای از این حرکات اشکال ترکیبی مبارزه به نحو درخشانی به کار گرفته می‌شود. مثلاً اهالی ولیعصر در ابتدا از راه قانونی وارد می‌شوند، سپس غیائی و جوانمرد دو تن از مالکان زمین را به گروگان می‌گیرند. درعین گروگان‌گیری دست به تحصن زده و بعد از درگیری با کمیته جلوی آن بست می‌نشینند. آنگاه راهپیمائی سازمان می‌دهند و جلوی مجلس سنای سابق تجمع می‌کنند (۱۴) یا در حرکت دیگری شورای محل تشکیل می‌دهند، مالکان کلاش نظیر کرمی و بختیار را دستگیر می‌کنند، جلوی سازمان آب و سپس جلوی زندان اوین تجمع می‌کنند و با پاسداران نیز درگیر می‌شوند. نکته حائز اهمیت دیگر در این حرکات شرکت فعالانه زنان است. درتجمع اهالی دولت‌آباد در جلوی نخست‌وزیری زنان نقش موثری دارند و در حرکت شهرک ولی‌عصر زنان خواهان این مسئله هستند که حتماً جزء نمایندگان مذاکره کننده باشند. نکته جدید دیگری که در این حرکت تهیدستان شهری دیده می‌شود اعلام همبستگی آن‌ها با مبارزات کارگران بی‌کار است که نمونه برجسته آن را می‌توان درحمایت زحمتکشان زورآباد از مبارزات کارگران بیکار کرج عنوان کرد (۱۵) دراین دوره نیروهای سرکوب علیه تهیدستان شهری برخلاف دوره شاه بیش‌تر نهادهای شکل گرفته در انقلاب نظیر پاسداران و کمیته‌چی‌ها بودند. هرچه به آغاز جنگ نیز نزدیک می‌شویم درگیری تهیدستان شهری با ارگان‌های رژیم بیش‌تر و حادث می‌شود و حمایت رژیم اسلامی از مالکان زمین‌های مصادره شده و یا صاحبان آپارتمان‌های مصادره شده سراسرتر و مستقیم‌تر صورت می‌گیرد. در این دوره تهیدستان شهری شیمیران‌نو، همت‌آباد تبریز، بخش کهریزک شهر ری، دولت‌آباد کرج، شهرک ولی‌عصر، خاک‌سفید، زورآباد کرج، کاظم‌آباد و مبارک‌آباد تهران، زورآباد کرج بیش‌ترین حرکات و درعین حال بیش‌ترین درگیری را با ارگان‌های سرکوب‌گر جمهوری اسلامی داشته‌اند.

دوره سوم - آغاز جنگ تا آتش‌بس

مبارزات تهیدستان شهری در دوره جنگ بین ایران و عراق با افت و خیزهایی ادامه می‌یابد. درابتدا به‌خاطر فضای روانی حاصله از جنگ این مبارزات نمود چشم‌گیری ندارد. اما پس از مدتی مبارزات تهیدستان شهری مخصوصاً با حرکات بزرگ افسریه روبه‌گسترش می‌گذارد. جنگ با خود اقتصاد معینی به همراه می‌آورد که بر زندگی تهیدستان شهری نیز تأثیرات معینی برجای گذاشته و ویژگی جدیدی به مبارزات روزمره مردم می‌بخشد. با این وجود مضمون اصلی درگیری تهیدستان شهری با رژیم کماکان بر سر تخریب خانه‌ها، آلونک‌ها، تصرف زمین، مخصوصاً آب در تابستان‌ها و برق و مواد سوختی در زمستان‌ها، گران شدن بلیط اتوبوس... جریان دارد. مضمون جدیدی که دراین دوره در مبارزات تهیدستان شهری دیده می‌شود مبارزه بر سر توزیع ناعادلانه کوپن، سربازگیری، درزدهی‌های شورای اسلامی محل در رابطه با توزیع خواربار و درگیری دست‌فروشان با پاسداران است. دراین دوره مبارزات اهالی شاد شهر، محله مامازن، خاک‌سفید، قلعه‌حسنخان، شهرک جاده نظامی، شهرک نظام‌آباد به خاطر تخریب خانه‌ها و تخلیه اماکن "غیرمجاز" مبارزات جانانه‌ای را سازمان داده‌اند. اهالی شادشهر کرج، زورآباد کرج، شهرک احمد ساوه، افسریه، شهرک‌آق‌انور، محله مهدیه جاده ساوه، اما برسر تأمین آب درگیری‌های خونین با رژیم داشته‌اند که در دوره مزبور اتفاق افتاده است. در بعضی از محلات افسریه، قلعه‌حسن‌خان، خاک‌سفید مضمون مبارزات تهیدستان شهری فقط به تخریب خانه‌ها محدود نبوده بل که مسئله تصرف زمین به‌خاطر آب‌وبرق و مواد سوختی، افشای دزدی‌های شورای اسلامی را نیز شامل می‌شده است. دراین حرکات گاهی تهیدستان یک محله چند محور و موضوع را هم‌زمان دنبال می‌کنند یا در چند دوره زمانی مختلف پیرامون هریک از موضوعات فوق با رژیم درگیر می‌شوند. اشکال مبارزه دراین دوره بیش‌تر در محل و در منطقه تهیدستان جریان دارد تا در اماکن رژیم و تخریب نهادهای دولتی، کیفیت و حد درگیری‌ها ابعاد

بالائی دارد اما این بار اغلب در زمین تهیدستان شهری است که جنگ مغلوبه می‌شود. نیروهایی که طرف مقابل تهیدستان شهری قرار دارند عبارتند: از پاسداران، انجمن اسلامی محله، شهرداری و گاهی اوقات امام جمعه محل. در این دوره نیروهای رژیم حمله می‌کنند و تهیدستان شهری با چنگ و دندان از خود دفاع می‌کنند. در یک بررسی آماری از ۱۲۰ حرکت تهیدستان در فاصله زمانی اواخر سال ۶۲ که توسط ۶۴ که توسط سازمان ما صورت گرفته مضمون حرکت و شکل آن نسبت به کل حرکات چنین بوده است: کمبود یا قطع آب و برق ۲۶/۶٪، مسئله مسکن ۲۱/۷٪، خواست‌های رفاهی متفرقه ۱۴/۲٪، توزیع عادلانه اجناس ۵٪، قطع جنگ ۱۴/۲٪، خواست‌های دموکراتیک متفرقه ۱۰/۸٪، خواست‌های صنفی اقشار مختلف ۷/۵٪ و در رابطه با شکل حرکت اعتراض، تجمع، تحصن، طومارنویسی ۴۳/۴٪، تظاهرات، راه‌بندان و درگیری خشن ۵۶/۶٪ بوده است. (۱۶)

دوره چهارم - از آتش‌بس تا مقطع کنونی

در این دوره تهیدستان شهری خشم فروخته خود را که در محل سکونت‌شان انباشته شده بود به درون شهر انتقال می‌دهند. پیوستن زاغه‌نشینان به مبارزه معلولین جنگی در شیراز، حمله به بانک‌های دولتی و ساختمان شهرداری اراک، انتقال مبارزه زاغه‌نشینان از کوی طلاب مشهد به وسط شهر و به آتش کشیدن شهرداری، ایستگاه پلیس، صدها ساختمان و فروشگاه و خودروهای دولتی، مبارزات جانانه اهالی اسلام شهر که جمهوری اسلامی از زمین و آسمان به سرکوب آن پرداخت بود از نمونه‌های برجسته مبارزات تهیدستان شهری و انتقال صحنه نبرد از حاشیه شهر به درون شهر محسوب می‌شود. علی‌ریعی مسئول دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی و معاون سابق وزارت اطلاعات خود ویژگی مبارزات تهیدستان شهری را به روشنی چنین بیان کرده است: "حدوداً شش‌سالی است که وقایعی نظیر ماجرای آشوب چند ساعته در شهر مشهد که در ظرف تقریباً ۳ ساعت یک اختلاف جزئی مردم با شهرداری به بحرانی خطرناک تبدیل شد و تخریب بزرگی ایجاد کرد، به وقوع می‌پیوندد... حوادثی هم بعدها اتفاق افتاد از حادثه اسلام شهر تهران که به علت افزایش نرخ حمل مسافر پس از عید شهر به آشوب کشیده شد و هزینه‌های اجتماعی زیادی از نظام گرفت... بعد ماجرای قزوین را داشتیم که اعتراض نسبت به استان نشدن این شهر، قزوین به ویرانه‌ای تبدیل شد و حتی چند کشته هم برجای گذاشت. و هم‌چنین در اراک، زنجان و شیراز هم ماجرا مشابه بود." (۱۷) وجه مشخصه مبارزات تهیدستان شهری در این مقطع قبل از این که مستقیماً به مسکن‌شان ربط داشته باشد از فقدان حقوق شهروندی، از فقدان خدمات عمومی شهری نظیر آب، بهداشت،... حکایت دارد. ماجرای قزوین و مخصوصاً حرکت اسلام شهر خصلت و جهت‌گیری ضد سرمایه‌دارانه این دور از مبارزات تهیدستان شهری را بخوبی بازتاب می‌دهند. اتحاد چپ‌کارگری جوهر رویارویی تهیدستان شهری را به درستی چنین بیان می‌کند: "شورش کارگران و زحمت‌کشان شهرک‌های کارگر نشین بزرگ جنوب تهران آخرین حلقه از زنجیره طولانی شورش‌هایی است که در دو دهه گذشته به طور تناوبی، هم چون زمین لرزه‌هایی پر قدرت، این کشور را به لرزه درمی‌آورند و حلقه‌های اخیر آن در همین دو-سه سال گذشته در مشهد، اراک، شیراز، تبریز، قزوین و مناطق دیگر رخ داده‌اند. کانون یا دستکم، نقطه آغاز همه این شورش‌ها در محلات و شهرک‌های فقیر نشین شهرهای بزرگ است و موتور اصلی همه آن‌ها، تهیدستان به جان آمده از فلاکت تحمل‌ناپذیر ناشی از نظام اقتصادی - اجتماعی حاکم بر کشور. تردیدی نیست که این شورش‌ها قبل از هر چیز رویارویی‌هایی هستند با نظام سیاسی حاکم. اما اگر قبول کنیم که این شورش‌ها در جوهر خود اعتراضاتی هستند علیه فلاکت ناشی از نظام اقتصادی - اجتماعی حاکم، باید بپذیریم که آن‌ها چیزی بیش از دیکتاتوری‌های حاکم را نشانه می‌گیرند، آن‌ها با علل و شرایط بوجود آورنده فقر، نابرابری اجتماعی و بهره‌کشی به ضدیت برمی‌خیزند، یعنی با نظام سرمایه‌داری. (۱۸) مبارزات تهیدستان شهری را در دوره آتش‌بس تا مقطع کنونی می‌توان به دو مرحله تقسیم کرد. مرحله اول تا ۲ خرداد و مرحله دوم از ۲ خرداد تاکنون. مبارزات تهیدستان شهری بعد از ۲ خرداد و به واسطه این حادثه بزرگ ویژگی‌هایی به خود گرفته که وجه مشخصه آن را می‌توان پیوند مبارزات تهیدستان شهری با اقشار و لایه‌های دیگر مردم ساکن شهر قلمداد کرد. در شکل مبارزه تهیدستان شهری در این دوره علاوه بر حرکات فرا قانونی و خشن اشکال دیگری از مبارزه دیده می‌شود که مستقیماً تحت تأثیر ۲ خرداد می‌باشد. جالب است بدانیم که مبارزه حول شوراهای شهر در محلات حاشیه‌نشین بیش از محلات اصلی تهران جنب و جوش وجود داشته است. به علاوه تعداد

نمایندگان مستقل از دو جناح بیش‌ترین رای را عمدتاً از محلات حاشیه‌نشین بدست آورده‌اند. این فاکت‌ها نشان می‌دهد که تهیدستان شهری برای دستیابی به پاره‌ای از درخواست‌های خدماتی و رفاهی می‌خواهند به بوروکراسی دولتی فشار وارد کنند. البته عطف توجه به اهرم‌های قانونی نافه حرکات فراقانونی توسط تهیدستان شهری نیست. کافی است به آخرین حرکات تهیدستان شهری در اسلام‌آباد، تبریز نگاهی بیافکنیم تا تلفیق این دو شیوه مبارزه تهیدستان شهری را بهتر درک کنیم.

سیر حرکت تهیدستان شهری از آغاز تاکنون

نگاهی به سیر حرکات و مبارزات تهیدستان شهری نشان می‌دهد که در دوره قبل از انقلاب مبارزه آن‌ها هنوز در زمین و خاکریزهای خود تهیدستان شهری صورت می‌گیرد. آن‌ها تلاش می‌ورزند موقعیت خود را از طریق ساختن آونک‌ها، گودها، حلبی آبادها... تثبیت کنند. هنوز در این مقطع با فزون‌خواهی و ارتقاء خواست‌ها مواجه نیستیم. سطح و کیفیت درخواست‌ها ابتدائی است. مبارزه اگرچه به اشکال خشنی صورت می‌گیرد اما در نفس خود هنوز تدافعی است. در دوره بعد از انقلاب تا جنگ مبارزه تهیدستان شهری ناگهان از محدوده متعارف خود خارج می‌شود. مضمون حرکات ارتقاء می‌یابد و تهیدستان شهری ناگهان وارد حریم و قلمروهایی می‌شوند که قبل از انقلاب غیر قابل تصور بوده‌اند. اشغال خانه‌ها، آپارتمان‌ها و ساختمان‌های تمام و نیمه‌تمام. سطح و کیفیت مبارزه و مطالبات تهیدستان را چند مرحله ارتقاء می‌دهد. این ارتقاء مبارزه البته تحت تاثیر مستقیم انقلاب بهمن صورت گرفته و تنها در چنین شرایط مشابهی تکرار پذیر است. در تمام دوره جنگ تهیدستان دوباره به خاکریزهای خود به عقب رانده می‌شوند. در این دوره در مضمون مبارزات‌شان تغییراتی دیده می‌شود که بعدها آثار و عواقب نوینی در موقعیت تهیدستان فراهم می‌آورد. مبارزه برای خدمات عمومی همراه با مقاومت در برابر تخریب "خانه‌ها"، آونک‌ها، حلبی آبادها، گودها نطفه‌های تعرض بعدی را فراهم می‌آورد. عدم برخورداری از خدمات شهری و مبارزه برای دستیابی به آن‌ها، دست‌مایه‌های فراوانی برای ارتقاء آگاهی تهیدستان شهری فراهم می‌آورد. انباشت این آگاهی هرچند در دوره مزبور خود را در حرکات تهیدستان نشان نمی‌دهد اما در دور بعدی این آگاهی به بار می‌نشیند. دوره آتش‌بس تا ۲ خرداد دوره بلوغ این آگاهی و به بارنشستن این آگاهی است. در این دوره نبرد تهیدستان از خاکریزهایشان فراتر می‌رود و در سطح شهر و در میدان‌های دیگر ادامه می‌یابد. روی آوری به مبارزه در درون شهر از یک‌طرف اشباع شدن مبارزه در زمین تهیدستان و کارآ نبودن آن را نشان می‌دهد از طرف دیگر بن‌بست شکنی مبارزه و ارتقاء آن را منعکس می‌کند. فراتر رفتن مبارزه تهیدستان شهری در این دوره بنحوی با ارتقاء مضمون مبارزه دوره بعد از انقلاب قابل مقایسه است. در این دوره دستیابی به خدمات عمومی که نطفه‌های آن در دوره جنگ تا آتش‌بس بسته شده بود در دوره بعد از آتش‌بس دیگر زندگی بدون این خدمات کلافه‌کننده و غیر قابل تحمل می‌گردد. از همین روست که برای دستیابی به خدمات عمومی شکل مبارزه قبلی و ابعاد آن کارایی خود را از دست می‌دهد و تهیدستان شهری ناگزیر می‌شوند میدان درگیری را فراخ‌تر سازند. در دوره بعد از ۲ خرداد طلیعه‌های نویدبخشی ناظر بر پیوند با مبارزات سایر اقشار مردم توسط تهیدستان شهری دیده می‌شود، که اگر این وحدت صورت گیرد طومار رژیم اسلامی را درهم می‌نوردد. آن‌هائی که رهبران روحانی جمهوری اسلامی را بردوش‌های خود سوار کرده اند این بار از شانه‌های خود به زمین می‌افکنند.

رابطه اشکال مبارزه با جایگاه اجتماعی تهیدستان

نگاهی به مبارزات تهیدستان شهری نشان می‌دهد که اشکال متعددی از مبارزه در حرکات‌شان مشاهده می‌شود. از طومار نویسی، تجمع و تحصن، بست نشینی گرفته تا اشکال عالی تر و خشن‌تر مبارزه نظیر تظاهرات، راهپندان و درگیری‌های قهر آمیز. آن‌چه اما در حرکات تهیدستان شهری بنحو برجسته‌ای خود را نشان می‌دهد گذار سریع از مبارزه مسالمت‌آمیز به مبارزات خشن و قهرآمیز است. مثلاً با وجود این که تهیدستان عکس شاه را حمل می‌کردند و در همان مقطع شهردار را به شدت کتک می‌زدند. یا تخریب اماکن دولتی در غالب حرکات تهیدستان شهری وزن بالائی را به خود اختصاص می‌دهد. این گذار سریع به اشکال خشن‌تر مبارزه و این حد از تخریب نهادهای دشمن ریشه در کجا دارد؟ این نوشته در مقام ارائه پاسخ قطعی به این سؤال نیست، اما ضروری است سؤالاتی را در این باره مطرح کنیم. آیا روی آوری به این اشکال خشن از مبارزه در

سنت‌های بجای مانده از زندگی در مناسبات پیشا سرمایه‌داری ریشه دارد؟ آیا به‌کارگیری این اشکال مبارزه به‌خاطر فقدان یک موقعیت اجتماعی با ثبات و عدم جذب‌شان در بازار کار سرمایه‌داری نهفته است؟ آیا این اشکال مبارزه واکنش به اقدامات وحشیانه رژیم‌های سرکوب‌گر است؟ وقتی در ساعت ۳ نیمه شب بولدوزها و لودرهای رژیم با پشتیبانی صدها سرباز و پاسدار مسلح در عرض چند ساعت دوهزار خانه اهالی خاک‌سفید را به تلی از خاکستر تبدیل می‌کنند، (۱۹) آیا انتظاری جزء این است که "کلوخ‌انداز را پاسخ سنگ است؟" در پاسخ به این سئوالات می‌توان فرضیه زیر را جهت تبیین رابطه اشکال مبارزه و جایگاه تهیدستان شهری ارائه کرد تا علاقمندان به این مسئله درباره صحت و ستم آن به بحث بپردازند. به‌نظر می‌رسد بی‌واسطه‌ترین و مستقیم‌ترین انگیزه روی آوری تهیدستان شهری به مبارزات قهرآمیز و خشن، شیوه و روش برخورد رژیم‌های سیاسی باشد. وقتی اهالی خاک سفیدها را به خاک‌سیاه می‌نشانند آیا راهی جز مبارزه با جنگ و دندان باقی می‌ماند؟ اما اگر نحوه و روش برخورد رژیم‌های سیاسی را علت اصلی روی آوری به مبارزات قهرآمیز و خشن معرفی کنیم چرا این شیوه برخورد برای سایر گروه‌بندی‌های اجتماعی عمومیت ندارد؟ مثلاً زمانی که جمهوری اسلامی با همه نیروهای سرکوبگر خود کارخانه ارج را به اشغال نظامی خود در می‌آورد چرا برخورد مشابه با تهیدستان شهری توسط کارگران صورت نمی‌گیرد. پاسخ این سؤال را باید در موقعیت ویژه تهیدستان شهری، جایگاه تاریخی- اجتماعی آنان و سلطه سیاسی مستقیمی که بر آنان اعمال می‌شود جستجو کرد. وقتی توده انبوهی از مردم در بیرون قانون، در بیرون جامعه رسمی و در بیرون اقتصاد متعارف و در قلمرو اقتصاد سایه زندگی می‌کنند، وقتی اقتصاد، دولت، جامعه قادر به جذب تهیدستان نیستند و با زور و قهر آن‌ها را در خارج این حوزه‌ها قرار می‌دهند انتظار مبارزه مسالمت‌آمیز تا چه حد عقلانی است؟ واقعیت این است اشکال مبارزه تهیدستان شهری تابعی است از موقعیت اجتماعی که در آن زندگی می‌کنند. تهیدستان شهری علیرغم این که مورد بهره‌کشی قرار دارند، اما این بهره‌کشی برخلاف کارگران نه در روند تولید، نه در قطب مدرن سرمایه‌داری، بلکه اساساً در محیط و حاشیه روابط سرمایه‌داری صورت می‌گیرد. به‌علاوه از آن‌جا که بخش حاشیه‌ای و اقتصاد سایه تحت سلطه سیاسی هسته مرکزی سرمایه‌داری قرار دارد و مشارکت تهیدستان شهری و ادغام آن‌ها در بازار متعارف کار ناممکن می‌شود، همین وضعیت عینی جهت کلی مبارزات تهیدستان شهری را رقم می‌زند و اشکال مبارزه آن‌ها را تعیین می‌کند. نظم نوین در مقابله با ارزشی که درباره تهیدستان شهری به نگارش درآورده است، جایگاه تاریخی اجتماعی آن‌ها را در تعیین "جهت کلی مبارزات" و مقایسه آن‌ها با مبارزه کارگران به‌درستی چنین بیان کرده است: "از آنجا که در پویش سرمایه دارانه استخراج ارزش اضافی، قهر اقتصادی حاکم است مبارزهٔ پرولتاریا نیز بدواً شکلی اقتصادی به‌خود می‌گیرد... لیکن علیرغم این که تهیدستان شهری استثمار می‌شوند و علیرغم این که، استثمار در کسب آگاهی این اقشار دخیل است، اما به‌علت عدم سازمانیافتگی این استثمار آگاهی این اقشار نه توسط فرآیند تولید بل که از طریق محیط اجتماعی و چگونگی روابط بین طبقات جامعه مشروط می‌گردد. از آن‌جا که آگاهی اینان به دلیل وضعیت تعلیق دائمی اشتغال ناشی از قلمرو طبقاتی نیست، لذا آگاهی این اقشار قلمروئی اجتماعی پیدا می‌کند... همین شیوه تاثیر پذیری از محیط اجتماعی، جهت کلی مبارزاتی آن‌ها را تعیین می‌کند... از طرف دیگر وابستگی آگاهی تهیدستان به قلمرو اجتماعی، در حقیقت عبارتست از کسب آگاهی از طریق رویارویی دو قطب سرمایه‌داری (قطب عقب مانده و قطب مدرن)... این دو قطب دقیقاً در ارتباط با یک‌دیگر بازتولید می‌شوند. از یک‌طرف تهیدستان تنها می‌توانند از طریق قطب عقب مانده با کل اقتصاد رابطه برقرار کنند و از طرف دیگر قطب عقب مانده تحت تسلط قطب مدرن قرار دارد و تابع آنست. دراین رابطه ارزش اضافی بخش‌های اقماری (قطب عقب مانده) از برکت قطب مدرن استخراج می‌شود بی‌آنکه قطب عقب مانده در قطب مدرن ادغام گردد. در واقع رابطه ای که قطب مدرن با حاشیه خود برقرار می‌کند یک رابطه سیاسی است، یعنی از طریق سلطه‌سیاسی است که بخش مدرن می‌تواند ارزش اضافی بیش‌تری را به‌خود اختصاص دهد و در مقابل خواست مشارکت تهیدستان ایستادگی کند". (۲۰) چنان که مشاهده می‌کنیم تهیدستان شهری در قطب عقب مانده استثمار می‌شوند و در شرایط بدوی، ابتدائی و خشن مورد بهره‌کشی قرار می‌گیرند اما از طریق اهرم سیاسی این بهره‌کشی نهادی می‌شود و درگیری بی‌واسطه بین تهیدستان و استثمارکنندگان تحت‌الشعاع سرکوب اهرم قدرت قرار می‌گیرد. همین واقعیت است که مبارزه تهیدستان شهری را قهرآمیز می‌سازد. چراکه قهر سیاسی با قهر اقتصادی توأمان بر آن‌ها اعمال می‌شود.

منابع:

- ۱- بیان آماری وضع حاشیه‌نشینان- گردآوری از محمدرضا حسینی کازرونی و هوشنگ قلعه‌گلایی
- ۲- شهری‌نشینی در خاور میانه- وینست فراسیس کاستللو- پرویز پیران / عبدالعلی رضایی ص ۹۲-۹۳
- ۳- رشد روابط سرمایه داری در ایران (مرحله گسترش) ۵۷-۱۳۴۲- محمدرضا سوداگر ص ۷۴۴
- ۴- آلودگی‌نشینان خیابان پروفیسور براون- علی بنوعزیزی در الفبای غلامحسین ساعدی
- ۵- شهرنشینی شتابان و ناهمگون- پرویز پیران- اطلاعات سیاسی- اقتصادی
- ۶- گزارشاتنی از: مبارزات دلیرانه مردم خارج از محدوده، سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران به نقل از نظم نوین شماره

۴ ص ۱۲۸

۷- منبع ۵

۸- همان جا

۹- مبارزات زحمتکشان خارج از محدوده ۱۳۵۶- جلد اول- انتشارات پیکار- ص ۱۷

۱۰- همان جا

۱۱- مصاحبه با آیت‌اله خسروشاهی سرپرست بنیاد مسکن کیهان ۱۹ مهر ۵۸

۱۲- پیکار ارگان سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر شماره ۳۸

۱۳- فریاد زورآباد شماره ۱

۱۴- پیکار شماره ۴۳

۱۵- فریاد زورآباد شماره ۵

۱۶- راه کارگر ارگان سازمان کارگران انقلابی ایران شماره ۲۰

۱۷- نیمروز شماره ۵۶۷ دی‌ماه ۱۳۷۸

۱۸- بولتن اتحاد چپ کارگری شماره ۳ ص ۸

۱۹- مجاهد شماره ۱۰۶ ۳۰ دی ماه ۵۹

۲۰- نظم نوین شماره ۴ ویژه پوپولیزم ص ۶-۱۰۵